

# بررسی جایگاه اثباتی معاینه محل و تحقیق محلی و مقایسه (تعارض) آن با سایر ادله اثبات دعوا

حسین شیروانی<sup>۱</sup>

ابراهیم شیروانی<sup>۲</sup>

ایمان نوذری<sup>۳</sup>

## چکیده

اثبات معاینه محلی و تحقیق محلی به عنوان یکی از راه‌های کشف حقیقت در دعاوی از دیرباز مورد توجه بوده است. هرچند در برخی از موضوعات به علت ساده بودن اثبات دعوی، قاضی ضرورتی برای به‌کارگیری معاینه و تحقیق محلی نمی‌بیند، اما در اغلب پرونده‌ها به دلیل مبهم بودن ادله و هم‌چنین موضوعاتی که لمس آن توسط قاضی می‌تواند در حل دعوی مؤثر باشد، در نتیجه قاضی اقدام به صدور قرار می‌نماید، به‌گونه‌ای که در اکثر پرونده‌ها طرفین درخواست قرار معاینه محل یا تحقیق محلی را می‌نمایند. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر است این است که در این نوشتار جایگاه اصلی این ادله و میزان اعتبار آن در رأی دادگاه مورد توجه قرار گیرد. سؤال پژوهش این است که اعتبار معاینه و تحقیق محلی برای قاضی و مقایسه آن با سایر ادله اثبات دعوا تا چه اندازه مؤثر است؟ فرضیه این است که برای دستیابی به حقیقت و کشف آن، نیازمند رسیدگی به همه راه‌ها از جمله تحقیق و معاینه محلی نیز هستیم؛ اما این در صورتی است که بتواند مستند و بر مبنای کشف حقیقت باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از آنجا که اطلاعات حاصل از معاینه محل و تحقیق محلی از امارات قضایی شمرده شده که ممکن است موجب علم یا اطمینان دادرسی دادگاه یا مؤثر در آن باشد؛ بنابراین مانند سایر امارات قضایی با اماره مخالف بی‌اثر می‌شود و تاب مقاومت در برابر دلیل را ندارد و دادگاه در صورتی می‌تواند به اطلاعات حاصل از این ادله ترتیب اثر ندهد که بلااثر بودن آن را استدلال کند.

**کلمات کلیدی:** معاینه محل، تحقیق محلی، اثبات دعوا، کشف حقیقت.

---

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم تحقیقات یزد (نویسنده مسئول)؛ Email: miladshirvani910@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا.

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا.

## ۱. مقدمه

معاینه محل و تحقیق محلی دو وسیله احراز و اثبات امور موضوعی است که در قانون مدنی پیش‌بینی نشده ولی در قانون آئین دادرسی مدنی جدید «معاینه محل و تحقیق محلی» به صورت مشترک، موضوع مواد ۲۴۸ تا ۲۵۶ قرار گرفته است. در حقوق ایران همواره «تحقیق محلی» به عنوان وسیله‌ای مستقل از گواهی در قانون پیش‌بینی شده و در عمل نیز وسیله‌ای متمایز از گواهی بوده و معمولاً همراه با معاینه محل قرار آن صادر می‌شود و آثار و احکام آن‌ها در بیشتر موارد مشابه و حتی مشترک است (شمس، ۱۳۸۹: ۳۳۹). در حقوق اسلام تحقیق محلی همان استفاضه است که تحقیقات از مطلعین در محل با گواهی (شهادت) فرق دارد و همچنین مستنبط از ماده ۴۲۶ که در موارد استناد به گواهی گواهان اجازه تمسک به اطلاعات اهل محل را می‌دهند نیز حاکی از این است که اطلاعات اهل محل هم یکی از دلایل اثبات دعوی است. هم‌چنین معاینه محل نیز که از ادله اثبات دعواست عبارت است از حاضر شدن دادرس یا کارمند علی‌البدل دادگاه در محل وقوع مورد دعوی و مشاهده و معاینه آن محل و منعکس نمودن کلیه جهات بخصوص آنچه که مورد اختلاف طرفین می‌باشد (شیخ‌نیا، ۱۳۷۵: ۱۶۳). به این ترتیب دو موضوع مرتبط با کشف حقیقت و در ارتباط با دعوی تحت عنوان معاینه و تحقیق محلی از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

معاینه محل و تحقیق محلی از ادله خاص است و خاص بودن آن چنین بیان می‌شود که قاضی به وسیله آن، مورد دعوی را از نزدیک لمس می‌کند و به کم و کیف آن دسترسی پیدا می‌کند و اگر دلایل دیگری در پرونده وجود داشته باشد، صحت آن‌ها را با معاینه محل می‌سنجد و ارزیابی می‌کند. اطلاعات حاصل از معاینه محل و تحقیق محلی طبق قانون از امارات قضایی محسوب گردیده است، ولی این بدان معنا نیست که معاینه محل و تحقیق محلی اماره محسوب شوند؛ چرا که در قانون مستقل از امارات در شمار ادله آورده شده است و این سخن را باید چنین تفسیر کرد که این اطلاعات ممکن است از امارات قضایی باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اماره قضایی این است که برخلاف اماره قانونی پیش‌بینی شناخته شده نیست (حمیتی، ۱۳۸۷: ۲۱۵). پس در این نوشتار سعی ما بر این است که موضوع جایگاه اثباتی معاینه محل و تحقیق محلی در میان ادله در دعاوی و هم‌چنین مقایسه آن با سایر ادله را مورد تحقیق قرار داده و مبانی جایگاه آن را بررسی نماییم. در ابتدا به تعریف و جایگاه معاینه محلی و تحقیق محلی و سپس بهره‌گیری از آن در نزد قاضی پرداخته می‌شود.

## ۲. معاینه محل و تحقیق محلی

### ۱-۲. تعریف معاینه محل

معاینه محل عبارت است از بررسی و دقت کردن در وضعیت محل یا مشاهده وضع ظاهری محل و دقت در چگونگی عوامل متغیر در وضعیت محل می‌باشد. ماده ۷۸ به بعد قانون آئین دادرسی کیفری به تعریف و سایر موارد معاینه محلی پرداخته است. منظور از اهل خبره، شخصی است که از راه تجربی یا علمی، اطلاعات فنی کافی در خصوص موضوعی دارد اعم از این که رسماً به این کار اشتغال داشته باشد یا به صورت غیررسمی، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب و غیره (مدنی، ۱۳۸۰: ۳۱۷-۳۱۶). قرار معاینه محل ممکن است در سه مورد صادر می‌شود: درجایی که دلایلی به دادگاه اراده می‌شود که فهم و برداشت صحیح از آن‌ها، نیاز به معاینه محل دارد؛ برای مثال ممکن است خواهان نقشه‌ای از اراضی و مرزهای طبیعی و قدیمی آن به دادگاه ارائه دهد که جز با معاینه محل قابل فهم نمی‌باشد؛ در منطقه مسکونی‌ای که ادعای مزاحمت برای اهالی آنجا شده است، قرار معاینه محل صادر می‌شود. در چنین مواردی قاضی مستقیماً به تخریب یا معیوب بودن و یا سالم بودن دیوار علم حاصل می‌کند؛ بدون آنکه در این مسیر به استقرا و استنتاج عقلی که وجه ممیز اماره قضایی از دلیل به معنای خاص می‌باشد، متوسل شود؛ سایر مسائل ساده و قابل رویت (عمروانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

طبق مفاد ماده ۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری معاینه محل در روز به عمل می‌آید، مگر در مواردی که فوریت دارد. اشخاص حاضر در انجام معاینه به شرح زیر است: قاضی یا کارشناس و اهل خبره و یا ضابطین دادگستری؛ اشخاصی که در امر جزایی شرکت داشته‌اند (متهم، متهمین به شراکت یا معاونت و غیره)؛ شاکیان و ذی‌نفعان در کشف و تعقیب جرم؛ شاهدان و مطلعین (آخوندی، ۱۳۸۲: ۱۱۳). علاوه بر این موارد، در معاینه برخی اقدامات خاص بنا به درخواست دادگاه صورت می‌گیرد. آلات جرم و به‌طورکلی هر چیزی که حین معاینه محل به‌دست آمده و ممکن است موجب کشف جرم و احراز حقیقت گردد ضبط و در صورت مجلس تعریف و توصیف می‌شود. (مفاد ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری). چون مسکن اشخاص مصون از تعرض است (اصل ۲۲ قانون اساسی) و بدون اذن صاحب‌خانه کسی حق ندارد وارد منزل مسکونی افراد شود و تفتیش منزل ملازمه با دخول مأمورین به منزل مسکونی اشخاص دارد؛ لذا مقنن، تفتیش منزل را مقید به رعایت اصول و تشریفات خاصی کرده است (همان: ۱۲۳).

### ۲-۲. تعریف تحقیق محلی

تحقیق محلی یکی از ادله اثبات دعوا است که به موجب آن، اطلاعات اهل محل درباره موضوع دعوا کسب می‌شود. مقررات مربوط به این دلیل در قانون آئین دادرسی مدنی در مواد ۲۴۹ تا ۲۵۶ اعلام شده است. تحقیق

محلی با گواهی شباهت بسیاری دارد و در این مطلب مشترک است که در هر دوی این دلایل، اظهارات کسانی درباره موضوع دعوا اطلاعاتی دارند، استماع می‌شود (مهاجری، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

برخلاف گواه که اطلاعات او در مورد موضوع دعوا، ناشی از درک موضوع به‌طور مستقیم و با حواس است، اطلاعات اهل محل در تحقیق محلی ممکن است مستند به درک مستقیم موضوع با حواس نباشد، بلکه ناشی از شنیده‌ها و استنباط‌ها باشد. برخی نیز ضمن تأکید بر اینکه شهادت، عامل تفکیک تحقیق محلی از شهادت است، لزوم اتحاد مفای شهادت شهود و لازم نبودن چنین شرطی در تحقیق محلی را برای مثال ذکر کرده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶۸). دادگاه علی‌القاعده برای تشخیص درستی یا نادرستی هر ادعایی می‌تواند به اطلاعات اهل محل استناد نماید. به موجب ماده ۲۵۵ ق.آ.د اطلاعات حاصل از معاینه محل از امارات قضایی شمرده می‌شود که می‌تواند موجب علم یا اطمینان دادگاه و یا مؤثر در آن باشد در نتیجه مانند سایر امارات قضایی با اماره مخالف بی‌اثر می‌شود و تاب مقاومت در برابر دلیل را ندارد. برای قابلیت اثبات مستقیم و یا غیرمستقیم دعوا از طریق معاینه محل، جمع این سه شرط ضروری می‌نماید (عمروانی، ۱۳۹۰: ۱۳). این سه شرط شامل: الف) موضوع مورد ادعا باید در محل «قابل حس و مشاهده» باشد؛ بنابراین اموری را که قابل درک با حواس نباشد نمی‌توان از طریق معاینه محل اثبات نمود. ب) امر مورد معاینه باید «هم‌اکنون» یعنی در لحظه معاینه، قابل مشاهده یا درک با سایر حواس باشد. ج) موضوع معاینه محل نباید از امور تخصصی و فنی که خارج از توان قاضی است، باشد؛ در غیر این صورت موضوع باید به کارشناس ارجاع شود.

در هر صورت باید بیان شود که معاینه محل و تحقیق محلی را می‌توان در عرض یکدیگر و مکمل هم دانست. در نتیجه مأمور معاینه محل و تحقیق محلی می‌بایست مشاهدات خود را در نتیجه معاینه محل با نتایج حاصل از گفته‌های مطلعین در تحقیق محلی سنجیده و سره از ناسره را بازشناسد و به مرجع صالح رسیدگی جهت اخذ تصمیم ارائه نماید.

### ۳. جایگاه اثباتی معاینه محل و مقایسه با سایر ادله اثبات دعوی

#### ۳-۱. اقرار و جایگاه آن در اثبات دعوی

اقرار در لغت به معنای اعتراف نمودن، اذعان کردن حقی برای صاحب آن و اثبات کردن چیزی یا کسی در جایی به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۶). «اقرار به زبان دادرسی عبارت از اعترافی است که کسی به صحت امری که علیه او اظهار شده بنماید» (متین‌دفتری، ۱۳۷۸: ۲۷۸). به بیانی دیگر: «اقرار عبارت است از اخبار از وضع خاص موجود که به سود غیر و به زیان مخبر و یا موکل اوست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۷۷). اقرار در بعضی از نظام‌های حقوقی جهان به آن ملکه دلایل و یا تواناترین دلیل گفته می‌شود در ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی به آن اشاره

شده است. اقرار می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و برابر ماده ۱۲۸۰ اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است. طبق ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن کند. اقرار هم در امور حقوقی وجود دارد و هم در امور کیفری. اقرار دارای چند رکن اساسی است (مولودی و حمزه هویدا، ۱۳۹۱: ۸۶).

به موجب ماده ۱۲۶۲ قانون مدنی «اقرارکننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد؛ بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیرقاصد و مکره مؤثر نیست.» این شرایط در مواد ۶۹، ۱۱۶، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۶۹ و ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی برای اقرار در جرائم مستوجب حد و قصاص نیز آمده است؛ اما در قانون آیین دادرسی کیفری جز در ماده ۱۹۴ و بند ۲ ماده ۱۹۳ حکم صریح و تفصیلی در این مورد وجود ندارد. بند ۲ ماده ۱۹۳ گوید: «... تحقیق از متهم مبنی بر اینکه آیا اتهام وارده را قبول دارد یا نه؟...» و در ماده ۱۹۴ آمده است: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قرائن و امارات نیز مؤید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می‌کند».

بنابراین هرگاه اعلام شخص به صورت مستقیم و بدون واسطه‌ای دلالت بر وجود حقی برای غیر به ضرر خود کند، اقرار صریح است و اگر به صورتی غیر مستقیم و با کمک ملازمه، آن اخبار مورد استنباط قرار گیرد، ضمنی نامیده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر باید گفت که در اقرار ضمنی با نوعی از دلالت مواجه هستیم که در منطق دلالت التزام نامیده شده است (مظفر، ۱۳۷۶: ۶۰). اقرار باید به نفع دیگری باشد؛ بنابراین اخبار به نفع شخص اقرار کننده، اقرار نیست و به چنین اخباری، ادعا می‌گویند. برای اینکه اقرار صحت داشته باشد باید شرایطی در نظر گرفته شود اینکه اقرارکننده باید بالغ، عاقل، قاصد و مختار باشد (ماده ۱۲۶۲ قانون مدنی)؛ بنابراین اقرار صغیر غیر مخیر و مجنون در حال دیوانگی صحیح نیست و اقرار سفیه در امور مالی غیر مؤثر اما در غیر مالی مانند (طلاق و نکاح) مؤثر است، هرچند دارای آثار مالی است و اقرار مکره مؤثر نیست.

همچنین مقررله (کسی که اقرار به نفع او شده است) باید موجود باشد، اما در عین حال به موجب ماده ۱۲۷۰ قانون مدنی اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود و مقررله نیز باید معلوم باشد، اما در یک تقسیم‌بندی افراد به اقرار قضایی و غیر قضایی (اقرار در دادگاه و خارج از دادگاه) تقسیم می‌شود؛ بنابراین اگر اقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه و یا در یکی از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید اقرار در دادگاه محسوب و در غیر این صورت اقرار در خارج دادگاه تلقی می‌شود اما اقرار دارای آثاری است از جمله اینکه اقرار قاطع دعواست در مواد ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ۱۲۵۷ قانون مدنی آمده است که هرکس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود است و هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی‌حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای اثبات آن لازم نیست و دیگر اینکه غیرقابل انکار بودن اقرار است که در ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی آمده است: انکار بعد از اقرار

مسموع نیست، اما انکار برخلاف اقرار است و آن اخبار به نبودن حق برای غیر به زیان خود می‌باشد، اما در ماده ۱۲۷۶ قانون مدنی نیز اشاره شده است که: اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری ندارد به هر حال دادگاه نباید به اقراری که کذب بودن آن را احراز نموده است ترتیب اثر دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

در دعوی مدنی، مفاد اقرار بر دادرس تحمیل می‌شود و او نمی‌تواند به دلایل دیگر بپردازد و دادرسی و تحقیق را ادامه دهد. (ماده ۱۲۷۵ ق.م؛ و ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی) ولی در دعوی کیفری و رسیدگی به اتهام، ارزیابی اقرار نیز، مانند سایر ادله با دادگاه است و وجدان دادرس داوری نهایی را بر عهده دارد. برخلاف احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه مدنی که از اعتبار امر مختوم بهره‌مند است، استناد به اقرار متهم هیچ حکمی را قطعی نمی‌سازد و مانع از تجدید نظر یا رسیدگی فرجامی نمی‌شود. مبحث دوم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلابی (در امور مدنی) مربوط به مبحث اقرار است.

### ۲-۳. شهادت و اثر آن در اثبات دعوی

شاهد را در لغت به حاضر، نگاه‌کننده، مشاهده‌کننده امری یا چیزی تعریف کرده‌اند و شاهد یا گواه کسی است که وجود امری را به نفع یکی از متداعیین و زیان دیگری اعلام می‌دارد (غلامپور، ۱۳۹۲: ۱۷۸). بدین ترتیب، شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی از جمله اسلام قرار گرفته است. چنانکه قرآن کریم نیز در کلام نورانی خود موضوع شهادت را مطرح نموده و بدان اثر حقوقی بخشیده است. شهادت برای صیانت و حفاظت از حقوق به معنی اعم خود چه حق الناس و چه حق الله تشریح شده و از دو مرحله تشکیل می‌شود، مرحله تحمل شهادت و مرحله ادای شهادت. از نظر شرعی شاهد گرفتن از جمله حقوق خصوصی افراد است لیکن ادای شهادت یک نوع واجب شرعی است و کسی که ناظر بر وقوع امری بوده در صورتی که از او درخواست شهادت دادن شود باید شهادت دهد.

شهود باید دارای شرایطی از قبیل عدالت، حلال‌زادگی، ایمان، بلوغ، عقل و غیره باشند و شهادت نیز باید از روی علم و یقین ادا شود. حق الله محض برای اثبات، نیازمند چهار شاهد عادل مرد است لیکن در حق الناس، شهادت دو شاهد مرد هم کفایت می‌کند. بانوان در حقوق مالی و یا حقوقی که منجر به مال می‌گردد می‌توانند به انضمام مردان گواهی دهند ولی در امور باطنی زنان، گواهی آنان بدون حضور مردان پذیرفته است. لازم به ذکر است چنانچه شهود با شرایط، تعداد و جنسیت مقرر در قانون مبادرت به ادای شهادت کنند قاضی مکلف به صدور رأی بر اساس آن می‌باشد (نقیب شهربابی، ۱۳۹۲: ۲۹). علاوه بر این، برای شهادت دادن، شاهد باید شرایطی داشته باشد اما ادای شهادت الزامی نیست. شاهد برای شهادت دادن احضار می‌گردد و در صورت دو بار احضار و عدم حضور نزد مرجع قضایی، جلب می‌شود ولی در صورت جلب و آورده شدن نزد مرجع قضایی، باز مجبور به ادای شهادت نیست؛ اما اگر وی اقدام به ادای شهادت نماید ملزم به راستگویی است و دادن شهادت دروغ با شرایطی

مستلزم تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود (ماده ۶۵۰ ق.م.ا). درعین حال متهم از حقوقی برخوردار است که شاهد فاقد آن است، نظیر حق به همراه داشتن وکیل در جلسه تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک). از این رو نمی‌توان کسی را که علیه او دلایل یا قرائن مجرمیت وجود دارد، به عنوان شاهد احضار و سپس به وی تفهیم اتهام نمود، زیرا شخص احضار شده در صورت اطلاع از اینکه متهم به جرمی است، می‌تواند به همراه یک وکیل نزد مرجع قضایی حاضر گردد.

در نظریه‌ای شهادت شهود در اثبات دعاوی مدنی موضوعیت دارد. به این ترتیب که پس از انجام تشریفات ادای شهادت، پس از استماع شهادت شهود، قاضی محکمه ملزم به صدور رأی بر مبنای مفاد و اقتضای شهادت است. شایان توجه است که دسته‌ای از فقها اسلامی اعتقاد دارند که قاضی مکلف به صدور رأی بر اساس مقتضیات شهادت شهود نیست، چرا که گواهی و شهادت خبری است که همواره در آن احتمال صدق و کذب می‌رود و هیچ‌گاه نمی‌تواند مفید قطع و یقین باشد، بلکه ایجاد ظن و گمان می‌کند که در هر حال احتمال اثبات خلاف آن وجود دارد. توضیح این‌که دادرسی می‌تواند چنانچه به هنگام صدور رأی در مفاد و مؤدای گواهی تردید نماید و احتمال کذب بودن آن را بدهد، از صدور رأی بر مبنای آن اجتناب کرده و برعکس در صورت احراز صحت شهادت شهود طبق مقتضای آن انشای رأی می‌نماید و چنانچه علی‌رغم ارزیابی جوانب مختلف موضوع، شک و تردیدی در وجود او باقی باشد در این حالت می‌تواند ضمن رد شهادت شهود با اتکال به وجدان و ایمان شرعی خود و با توسل به آیه شریفه «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» عمل نماید. از سوی دیگر در فقه امامیه شهادت موضوعیت داشت و چنانچه شهود به تعداد معینه در شرع بوده و دارای اوصاف خاص شرعی از جمله عدالت، ایمان، طهارت مولد و سایر شرایط مقرر باشند قاضی مکلف به صدور رأی بر مبنای آن می‌باشد (توکل، ۱۳۸۵: ۸).

در نظریه دیگری شهادت صرفاً به مثابه ابزار و وسیله‌ای جهت اثبات دعاوی بوده و در مسیر رسیدن به حقیقت قضیه دارای جنبه طریقی است. لذا قاضی هیچ الزامی به صدور رأی بر اساس شهادت شهود ندارد و مخیر است. چنانچه آن را موافق با علم و اطمینان خود بیابد بر اساس آن انشای رأی نماید و اگر از نظر او، مؤدای شهادت شهود مقرون به صحت نبوده و اطمینان‌بخش و مفید علم نباشد، از ترتیب اثر دادن به آن امتناع نماید. از جمله سیستم‌های حقوقی که موافق این عقیده می‌باشند قانون مدنی کشور لبنان است. در حقوق ایران نیز ضمن پذیرش نظریه دوم، مقنن معتقد به طریقت داشتن شهادت شهود بوده و به موجب ماده (۲۴۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ تشخیص ارزش و تأثیر گواهی به نظر دادگاه محول شده است. هم‌چنین در مقام تأیید این نظر، ماده (۱۷۱) از قانون آیین دادرسی در امور کیفری نیز مقرر نموده است. چنانچه دادگاه شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد شهادت آنان را می‌پذیرد و الا رد می‌کند (همان: ۱۰).

مطابق ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت از شرایط شاهد است و اظهارات مجنون و افرادی که به سن بلوغ یعنی ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند، قابل اعتماد نیست. در تمام تأسیسات حقوقی، وجود قصد انشا، اختیار و اهلیت ضروری است و در صورت مفقود بودن هر یک از این شرایط، تأسیس حقوقی مورد نظر بلااثر خواهد بود. اگر شهادت در شرایط اکراهی انجام شده باشد، معتبر نیست، در حقیقت اگر قصد انشا، اختیار و اهلیت وجود نداشته باشد، شهادت نیز مانند سایر تأسیسات حقوقی به عنوان یکی از ادله مثبت دعوی قابل قبول نخواهد بود؛ در چنین شرایطی شهادت صورت گرفته ممکن است برای قاضی ایجاد علم کند اما به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مؤثر نخواهد بود.

### ۳-۳. سوگند و اثر آن در اثبات دعوی

سوگند به طور کلی به دو دسته عهدی و اثباتی (قضایی) قابل تقسیم است. سوگند عهدی به این معنا است که شخص تعهد می‌کند که ملتزم به انجام فعل یا ترک عملی در آینده باشد؛ مانند سوگندی که رئیس جمهور یا وکلای دادگستری و دادرسان قبل از انجام وظیفه یاد می‌کنند. این سوگند، ارتباط مستقیمی با ادله اثبات دعوا ندارد و بنابراین از موضوع این بحث خارج است. سوگند اثباتی (قضایی) یکی از ادله اثبات دعوا است و چون همیشه در حضور قاضی باید انجام شود، به آن سوگند قضایی گویند (ذولقدر، ۱۳۹۲: ۴۵). در مواد ۱۳۲۵ به بعد قانون مدنی اقسام، توان اثباتی و شرایط آن و در مواد ۲۷۰ به بعد قانون جزا نیز افزودن بر موارد مزبور، آیین اتیان آن پیش‌بینی شده است. در تعریف سوگند گفته شده است اعلام اراده‌ای است که به موجب آن شخصی خدا را شاهد صداقت خود در اظهارات و التزامات بیان شده می‌گیرد. در ماده ۲۸۱ آیین دادرسی مدنی آمده است، سوگند باید مطابق قرار دادگاه با لفظ جلاله (والله، بالله، تالله) یا نام خداوند متعال به سایر زبان‌های ادا گردد و در صورت نیاز به تغلیظ دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان و مکان الفاظ تعیین می‌نماید. در هر حال فرقی بین مسلمانان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال نخواهد بود. مراتب اتیان سوگند صورت جلسه می‌گردد. سوگند اثباتی یا قضایی با توجه به نصوص قانونی به سه دسته تقسیم می‌شود: سوگند قاطع دعوا یا بتی، سوگند تکمیلی و سوگند استظهاری. سوگند دیگری نیز با الهام از فقه، در ماده ۵ آیین‌نامه ترتیب اتیان سوگند مورد اشاره قرار گرفته که «سوگند بر نفی علم» نامیده می‌شود (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۹۰).

هرچند ماده ۱۳۲۵ قانون مدنی فقط در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است، به مدعی حق داده است حکم به دعوی خود را - که مورد انکار مدعی علیه است - منوط به قسم او نماید، اما بعد از انقلاب که مواد محدودکننده ارزش شهادت حذف و این دلیل ارزش سنتی خود را بازیافت، طبعاً این محدودیت دیگر وجود ندارد و لذا هر دعوایی با هر مبلغ را می‌توان با سوگند فیصله داد. النهایه، قسم، فقط در موردی که قانون آن را معتبر بداند، مسموع



می‌باشد. مثلاً برای اثبات جرائم مربوط به حق‌الله محض این دلیل معتبر نیست (آبکار، ۱۳۷۸: ۳۳). مبحث هفتم قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلابی (در امور مدنی) مربوط به مبحث سوگند است.

#### ۳-۴. تعارض معاینه و تحقیق محلی با ادله گفتاری اثبات دعوی

از آنجا که تحقیق محلی و معاینه محلی به موجب قانون نوعی از امارات قضایی محسوب می‌شود، بنابراین تعارض به وجود آمده بین ادله گفتاری اثبات دعوی با معاینه محلی و تحقیق محلی می‌تواند در قالب تعارض میان این ادله با امارات قضایی بررسی گردد. همچنین گواهی که می‌توان مشابَهت زیادی با تحقیق محلی در آن یافت، با اقرار این تفاوت اساسی را دارد که اقرار به زیان خود و به سود دیگری است و با ادعا که اخبار به سود خود و به زیان دیگری است. گواه از دیده‌ها، شنیده‌ها سایر آگاهی‌های خود بدون دخالت دادن تخصص احتمالی خود، اخبار می‌نماید، بی‌آنکه از آن نتیجه‌گیری نماید.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برای صحت اقرار باید شرایطی نظیر بالغ، عاقل، قاصد و مختار بودن اقرار کننده، فراهم باشد (ماده ۱۲۶۲ قانون مدنی). همچنین اقرار باید دارای اثر حقوقی باشد یعنی اقرار حاوی بیان یک حق باشد وگرنه اعلام از اخبار عادی یا بدون فایده اقرار نیست. از سویی به جهت آن‌که مطابق مواد ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ۱۲۵۷ قانون مدنی که بیان می‌دارد هرکس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود است و هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی‌حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای اثبات آن لازم نیست و نیز اینکه اقرار غیرقابل انکار است (ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی)، اقرار یکی از دلایل محکم در اثبات دعوا است. با این حال باید اشاره کرد که در دعاوی مدنی، مفاد اقرار بر دادرس تحمیل می‌شود و او نمی‌تواند به دلایل دیگر بپردازد و دادرسی و تحقیق را ادامه دهد. (ماده ۱۲۷۵ ق.م؛ و ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی). همچنین در دعاوی کیفری و رسیدگی به اتهام، ارزیابی اقرار نیز، مانند سایر ادله با دادگاه است و وجدان دادرس داوری نهایی را بر عهده دارد. برخلاف احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه مدنی که از اعتبار امر مختوم بهره‌مند است، استناد به اقرار متهم هیچ حکمی را قطعی نمی‌سازد و مانع از تجدیدنظر یا رسیدگی فرجامی نمی‌شود.

بنابراین چنین برمی‌آید که در صورت تعارض اقرار با تحقیق محلی و معاینه محلی، اگر این دو مورد موجب علم قاضی و اقرار وجدان وی در اثبات موضوعی شود، ممکن است اقرار تأثیر خود را از دست دهد. چنانکه در ماده ۱۲۷۶ قانون مدنی نیز اشاره شده است که: اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری ندارد. به هر حال دادگاه نباید به اقراری که کذب بودن آن را احراز نموده است ترتیب اثر دهد؛ بنابراین اگر قاضی یقین حاصل کند که تحقیق محلی و معاینه محلی صحیح بوده و اقرار کذب است، می‌تواند به این مورد استناد کند.

### ۳-۵. شرایط لازم تحقیق و معاینه محلی برای اثبات دعوی

قانون‌گذار، تحقیق محلی را از امارات قضایی دانسته و به همین دلیل ارزش اثباتی بالاتری از شهادت را داراست، ولی با وجود شهادت نوبت به تحقیق محلی نمی‌رسد و تحقیق محلی در طول شهادت قرار دارد. هم‌چنین بنا بر نظر قانون‌گذار معاینه‌ی محل نیز از امارات قضایی می‌باشد و چون برای قاضی علم شخصی حاصل می‌کند تقدم ارزشی بر شهادت دارد اما معاینه‌ی محل نیز مانند تحقیق محلی در طول شهادت می‌باشد. در مقایسه‌ی شهادت با امارات می‌توان گفت شهادت مقدم بر امارات قانونی می‌باشد؛ چرا که اعتبار این نوع از امارات تا زمانی است که دلیلی در بین نباشد و در تعارض با شهادت، شهادت از ارزش بیشتری برخوردار است، ولی امارات قضایی چون برای شخص دادرس افاده علم می‌کنند ارزش بالاتری از شهادت را دارا هستند و از لحاظ ارزش اثباتی مقدم بر شهادت هستند.

با این اوصاف باید گفت که ماده ۸۱ ق. آ. د. ک از شاهد مطلع نام برده است. مطلع کسی است که خود شاهد نبوده ولی به نحوی اطلاع پیدا کرده است. حتی قاضی دادگاه می‌تواند آن را به محل احضار کند شاهد و مطلع با یکدیگر از نظر ارزش قضایی متفاوت هستند، زیرا طبقم ۶۶ ق. آ. د. ک شاهد اگر بگوید من شاهد وقوع جرم بوده‌ام برای مشروع به رسیدگی کافی است و شهادت یکی از دلایل اثبات جرم به حساب می‌آید، اما مطلع باید ادعایش با دلیل همراه باشد. در تحقیق محلی مخاطب اشخاص هستند که این اشخاص یا شاهد هستند یا مطلع برخلاف معاینه محل که مخاطب ما اشیاء و اماکن و یا اجساد هستند (یعنی موجودات بی‌جان). در تحقیق محلی باید از اشخاص که از ماجرا مطلع هستند تحقیق کرده و از آن‌ها امضاء گرفت در حالی که نمی‌توان از اماکن و اشیاء امضاء گرفت و در هر ۲ مورد چه شاهد و چه مطلع اگر از آن‌ها دعوت شود و حضور آن‌ها ضروری و چنانچه جرم برخلاف نظم عمومی و محفل نظم و امنیت باشد، در صورت امتناع قاضی دستور جلب خواهد داد. در واقع تحقیق محلی عبارت است از تحصیل دلیل و اطلاعات اهل محل در خصوص موضوع اختلاف بنابراین اصحاب دعوی می‌توانند به تحقیق محلی یعنی اطلاع اشخاص که در محل موضوع اختلاف سکونت دارند یا بکار مشغول‌اند، استناد کنند، بدون آنکه از قبل آنان را معرفی نمایند. معاینه محل و تحقیق محلی مطابق ماده ۴۳ ق. آ. د. ک. از نظر ارزش قضایی، اماره محسوب می‌شود، بنابراین چه در امور حقوقی و چه در امور کیفری دلیل محسوب نمی‌شوند، اما در مجموع زمینه‌ساز امتناع وجدان قاضی که در معنی عام علم قاضی کاربرد دارد و به عنوان دلیل قضایی برشمرده می‌شود و گام برداشته و زمینه‌ساز کشف جرم را مهیا می‌کند.

بر اساس ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرس مدنی مصوب ۱۳۷۹ که بیان می‌دارد: «اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل، از امارات قضایی محسوب می‌گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد»، اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب شده و موجب اطمینان یا علم دادرس

خواهد بود؛ بنابراین هدف از این دو اقدام تحقیقی، رسیدن به اقتناع وجدانی دادرس می‌باشد. در نتیجه به صراحت حکم ماده مزبور این اطلاعات جنبه افناعی داشته و برابر و هم ارزش با اماره قضایی خواهد بود. با این کیفیت معلوم است که امکان تعارض اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل با علم دادرس وجود ندارد، زیرا طبق ماده فوق این اطلاعات به عنوان قرینه محسوب شده و در آن واحد از قراین پراکنده برای دادرس، امارات مختلف قضایی حاصل نمی‌شود.

ماده ۲۵۰ قانون مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد: «اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی ممکن است توسط یکی از دادرسان دادگاه یا قاضی تحقیق به عمل آید. وقت و محل تحقیقات باید از قبل به طرفین اطلاع داده شود. در صورتی که محل تحقیقات خارج از حوزه دادگاه باشد، دادگاه می‌تواند اجرای تحقیقات را از دادگاه محل درخواست کند، مگر اینکه مبنای رأی دادگاه معاینه و یا تحقیقات محلی باشد که در این صورت باید اجرای قرارهای مذکور توسط شخص قاضی صادرکننده رأی صورت گیرد یا گزارش مورد وثوق دادگاه باشد». همین مفاد در ماده ۳۴۳ قانون قدیم آیین دادرسی نیز در خصوص معاینه محل مقرر شده بود. همان‌طور که بیان شد، از مفهوم این مواد چنین برمی‌آید که کارکرد این دو دلیل ایجاد علم در وجدان قاضی است و لذا اگر مفاد معاینه محل و تحقیقات محلی با علم قاضی در تعارض باشد، در واقع ثمره‌ای نداشته و فاقد اعتبار است (شریفی، ۱۳۹۲: ۴۶). بدین ترتیب شرایط معاینه و تحقیق محلی به نحوی است که نباید علم قاضی را زیر سؤال برده و یا آن را نادیده بگیرد. قاضی نیز برحسب جایگاهی که دارد، علم و بینش خود را به کار گرفته و با در نظر داشتن شرایط لازم، از معاینه و تحقیق محلی جهت کشف و دستیابی به حقیقت بهره می‌برد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

از نمونه دلایلی که قانون آیین دادرسی مدنی از آن نام برده و آن را مورد بررسی قرار داده است قرار معاینه‌ی محل و تحقیقات محلی است. برای کشف و تعقیب جرائم، قاضی تحقیق و یا قاضی دادگاه به جمع‌آوری همه دلایل ممکن مبادرت می‌ورزد و در توسل به دلایل محدودیتی ندارد. از جمله دلایل معمول کشف جرم، معاینه محل و تحقیق محلی است. منظور از معاینات محلی، مشاهده و ضبط آثار و علامات موجود در محل وقوع جرم است. معاینه محل عبارت است از بررسی و دقت کردن در وضعیت محل یا مشاهده وضع ظاهری محل و دقت در چگونگی عوامل متغیر در وضعیت محل می‌باشد. معاینه محل اگرچه وسیله مناسبی است که در برخی دعاوی به دادرس اجازه می‌دهد تا با مشاهده و ملاحظه مستقیم درک بهتر و دقیق‌تری از امور موضوعی پیدا کند، اما تنها در مواردی می‌تواند انجام شود که موضوع بسیار ساده بوده و تشخیص آن مستلزم دانش ویژه‌ای که دادرس نوعی از آن بی‌بهره است نباشد، در غیر این صورت ارجاع امر به کارشناس ضرورت پیدا می‌کند.

تحقیق محلی عبارت است از واری و بررسی مشخصات محل بر اساس گفته‌ها و اظهارات مطلعین محلی که حاوی نکاتی در خصوص چگونگی عوامل متغیر در وضعیت محل می‌باشد. تحقیق محلی یعنی به دست آوردن اطلاعاتی که اهل محل راجع به امور موضوعی دعوا دارند. اشخاصی که از آن‌ها تحقیق می‌شود، دانستی‌های خود را از مجموعه دیده‌ها و شنیده‌های مستقیم و غیرمستقیم و برداشت‌های خود بیان می‌دارند؛ بی‌آنکه لازم باشد مأخذ آن‌ها را ذکر نمایند و عنوان خاصی غیر از عنوان شهادت را دارد به نظر برخی از حقوقدانان قانون‌گذار قانون مدنی می‌بایست اطلاعات اهل محل را در ردیف ادله اثبات دعوا به شمار آورد. ارزش اثباتی هریک از ادله متعارض برای قاضی یکسان باشد. در نتیجه اگر قاضی بر مفاد یکی از ادله متعارض اکتفا یابد، تعارض رفع می‌گردد و ضروری است تا بر اساس ادله مورد اطمینان، قضاوت صورت پذیرد. ادله متعارض از دو نوع متفاوت باشند؛ بنابراین در صورت هم‌نوع بودن ادله متعارض، مانند تعارض «اقرار با اقرار» یا «شهادت شرعی با شهادت شرعی»، راهکار تقدم قانونی کارآمد نبوده و لازم است به سایر راهکارهای رفع تعارض رجوع شود.

تعارض ادله در اثبات جرائم مستوجب تعزیر و قصاص رخ داده باشد و نه در اثبات جرائم حدی. البته در اثبات جرائم مستوجب تعزیر و قصاص نیز می‌توان راهکار تقدم قانونی را برای اثبات مجازات پذیرفت؛ از این‌رو زمانی که نوبت به راهکار مذکور برسد، حسب مورد دیه، آرش و خسارت مادی-معنوی جایگزین مجازات می‌شود. با این اوصاف، پیشنهادات منبعث از تحقیق حاضر می‌تواند به صورت زیر قابل بیان باشد:

الف: از آنجا که تحقیق محلی و معاینه محلی می‌تواند از ادله راهگشا در اثبات دعاوی باشد، پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری بر این امر شود و مطاعات گسترده‌تری در این باب صورت گیرد و قوانین مربوطه با دقت بیشتری به آن به عنوان یکی از ادله بپردازد.

ب: با توجه به این مطلب که تحقیق محلی و معاینه محلی از اقسام امارات قضایی است، پیشنهاد می‌شود به اعتبار این امارات توجه بیشتری به عمل آید.

ج: شیوه‌های حل تعارض یکی از اصول مهم در دادرسی است و از آنجا که در بسیاری موارد این مهم پیش می‌آید، مطالعات بیشتری در این زمینه می‌تواند راهگشای حل و فصل دعاوی مطرح شده باشد.

## منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۸۲). آئین دادرسی کیفری. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). «ترمینولوژی حقوق». انتشارات گنج دانش.
- حمیتی، واقف. (۱۳۸۷). ادله اثبات دعوا، تهران: شرکت انتشارات دانش نگار.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی. ج ۲. تهران. دراک.
- شیخ‌نیا، امیرحسین. (۱۳۷۵). ادله اثبات دعوا. حقوق ماهوی و شکلی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. ج ۱. تهران: نشر مکتبه المرتضویه.
- عمروانی، رحمان. (۱۳۹۰). تعارض ادله اثبات دعوا در امور حقوقی. چاپ اول. تهران. انتشارات فکرسازان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). اثبات و دلیل اثبات. ج ۱ و ۲. تهران: نشر میزان.
- متین‌دفتری، احمد. (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. ج ۱. تهران: نشر مجد.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۰). آئین دادرسی کیفری ۱ و ۲. تهران. انتشارات پایدار.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۶). المنطق. ج ۱. الطبعة الثالثة. قم: دارالعلم.
- مهاجرى، علی. (۱۳۸۰). شرح قانون آیین دادرسی مدنی. ج ۲. تهران: کتابخانه گنج دانش.

## مقالات:

- توکلی، سعید. (۱۳۸۵). «ارزش شهادت و حدود اعتبار آن در نظام حقوقی ایران». نشریه دادرسی. شماره ۵۶.
- حسن‌زاده، مهدی. (۱۳۹۲). تحلیل رابطه تحقیق محلی و گواهی. نشریه حقوق خصوصی. دوره ۱۰. شماره ۲.
- شریفی، محمدهادی؛ رفیعی مقدم، علی. (۱۳۹۲). رابطه علم دادرسی با دلایل قانونی اثبات دعاوی مدنی. نشریه تحقیقات حقوقی آزاد. سال ۶. شماره ۱۹.
- عمروانی، رحمان. (۱۳۸۷). بررسی ماهیت کارشناسی، معاینه محل و تحقیق محلی. ماهنامه دادرسی. شماره ۷۱. سال ۱۲.
- غلامپور، مهدی؛ تدین، عباس. (۱۳۹۲). جلب شاهد از منظر حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، از هست‌ها تا بایدها. پژوهشنامه حقوق کیفری. سال ۴. شماره ۲.

- محمدی، پژمان. (۱۳۸۹). «محدودیت‌های موضوعی سوگند در دعاوی مدنی». فصلنامه پژوهش حقوق. سال ۱۲. شماره ۲۹.
- مولودی، محمد؛ حمزه هویدا، مهدی. (۱۳۹۱). ماهیت و توان اثباتی اقرار ضمنی در دعاوی حقوقی. نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی. سال ۴. شماره ۷.

#### پایان‌نامه:

- آبکار، علی. (۱۳۷۸). قسم در دعاوی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. مجتمع آموزش عالی قم.
- شهری، غلامرضا. (۱۳۷۰). حقوق ثبت. تهران: جهاد دانشگاهی.
- ذوالقدر، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی ترتیب دلایل در بین مستندات حکم قاضی در حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی کار. دانشکده علوم انسانی و پایه.
- نقیب شهربابکی، آسیه. (۱۳۹۲). «شهادت در تمور حقوقی و فقه اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

